

## واکاوی چرخش‌های سیاسی سه نگرش سیاسی از اسلام در قبال تحولات خاورمیانه، از تقابل تا همکاری

حسین مسعودنیا<sup>۱\*</sup>، نیلوفر شفیعی ینگابادی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

### چکیده

منطقه غرب آسیا و خاورمیانه در دهه دوم هزاره سوم شاهد وقوع تحولاتی بوده است که یکی از مهم‌ترین آنها وقوع جنبش‌های موسوم به بهار عربی یا بیداری اسلامی است. عامل اصلی پیچیده‌تر شدن این تحولات تلاش سه کشور ایران، عربستان و ترکیه به ترتیب با سه نگرش از اسلام یعنی شیعی، سلفی- تکفیری و اخوانی برای رهبری این جنبش‌ها بوده است. هدف اصلی پژوهش حاضر تبیین چگونگی تکوین سه نگرش از اسلام، تحلیل چرایی رقابت میان آنها و تشریح پیامدهای آن است. از این‌رو، دو پرسش پژوهشی عبارت‌اند از: ۱. چه عواملی موجب چرخش سیاسی حامیان نگرش‌های سیاسی از اسلام در قبال تحولات خاورمیانه شده است؟ ۲. تا چه اندازه تکوین، رشد و رقابت این سه برداشت از اسلام به بروز درگیری‌ها در خاورمیانه منجر شده است؟ در فرضیه پژوهشی بیان می‌شود که رقابت میان حامیان سه نگرش متفاوت از اسلام سیاسی یعنی اسلام شیعی، سلفی- تکفیری و اخوانی به افزایش ناآرامی و خشونت در خاورمیانه منجر شده است. پاسخ به پرسش‌های پژوهش با استفاده از روش تحلیل داده‌های کیفی گردآوری‌شده مربوط به جنبش‌های بهار عربی و یا مواضع رسمی رهبران سه کشور در قبال این جنبش‌ها و بحران‌هایی مانند سوریه و قطر بوده است. یافته‌های پژوهش بیانگر چرخش در سه نگرش از همکاری تا تقابل و تأثیر آن بر تشدید ناآرامی‌هاست.

**واژه‌های کلیدی:** اسلام سیاسی اخوانی، اسلام سیاسی شیعی، اسلام سیاسی سلفی- تکفیری، بهار عربی، خاورمیانه

\* نویسنده مسئول، رایانامه: h.masoudnia@ase.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱ اسفند ۱۳۹۹، تاریخ تصویب ۱۰ بهمن ۱۴۰۰

## ۱. مقدمه

منطقه خاورمیانه و غرب آسیا طی یک دهه اخیر یکی از مناطق ناآرام و پرتنش جهان بوده است. یکی از پرسش‌های اساسی برای پژوهشگران این منطقه ریشه‌یابی درگیری‌ها در آن است. تجزیه و تحلیل آرا و افکار پژوهشگران بیانگر این مهم است که هر یک از آنها بر روی عامل خاصی تأکید کرده‌اند؛ دخالت‌های خارجی، پیامدهای به‌جامانده از میراث سیاست‌های استعماری، شکست در دولت-ملت‌سازی و بالاخره رقابت‌های منطقه‌ای از مهم‌ترین دلایل مورد توجه پژوهشگران بوده است. در این میان آنچه رقابت‌های منطقه‌ای را تشدید کرده است، تلاش برای رهبری منطقه و بهره‌گیری از سه نگرش اسلام سیاسی از سوی برخی دولت‌ها برای نیل به هدف رهبری خاورمیانه بوده است. پرسش این است که چه عواملی موجب چرخش سیاسی حامیان نگرش‌های سیاسی از اسلام در قبال تحولات خاورمیانه و در نتیجه، ایجاد درگیری‌ها در خاورمیانه شده است؟ تأمل در حوادث و رویدادهای یک دهه اخیر در خاورمیانه بیانگر این مهم است که سه نگرش از اسلام سیاسی یعنی اسلام شیعی، سلفی-تکفیری و اخوانی به رهبری سه کشور ایران، عربستان سعودی و ترکیه در رقابت با یکدیگر برای رهبری جهان اسلام بوده‌اند. آنچه زمینه را برای عملیاتی ساختن این رقابت فراهم کرد، تحولات جهان عرب بود که به بهار عربی یا بیداری اسلامی شهرت یافت و از تونس شروع شد و به بسیاری از کشورها سرایت کرد که در نهایت به سقوط رهبران تونس، مصر و لیبی منجر شد.

یکی از نکات برجسته در جریان تحولات بهار عربی، همسویی دو تفکر سلفی-تکفیری و اخوانی در مراحل آغازین علیه تفکر شیعی بوده است. بهار همکاری عربستان سعودی و ترکیه خیلی زود به خزان گرایید و دو کشور شروع به رقابت با یکدیگر برای هژمون کردن تفکر خود به‌ویژه در مصر کردند؛ جایی که دولت اخوانی مصر مورد حمایت ترکیه‌ای بود که پشتیبانی قطر را نیز با خود داشت و این برای عربستان سعودی پذیرفتنی نبود. سقوط دولت مرسى در مصر و شکل‌گیری بحران در روابط قطر و عربستان سعودی که در نهایت به تحریم این کشور از سوی عربستان سعودی و هم‌پیمانانش منجر شد، سبب فاصله گرفتن تفکر اخوانی از سلفی-تکفیری و همکاری تاکتیکی دو تفکر دیگر یا به عبارت دقیق‌تر، نزدیک شدن سه کشور ایران، قطر و ترکیه به یکدیگر و پشتیبانی دو کشور ترکیه و ایران از قطر در قبال فشارهای عربستان سعودی شد. با توجه به چنین پیشینه‌ای به نظر می‌رسد شاید بتوان یکی از ریشه‌های ناآرامی و خشونت‌های یک دهه اخیر در خاورمیانه و به‌ویژه شکل‌گیری جریان داعش و پیامدهای آن را در رقابت‌های سه نگرش اسلام سیاسی یعنی اسلام شیعی، سلفی-تکفیری و اخوانی جست‌وجو کرد. از این رو، هدف اصلی پژوهش حاضر تحلیل و

تبیین چگونگی تکوین سه نگرش سیاسی از اسلام و چرایی رقابت میان آنها در قبال تحولات خاورمیانه همراه با پیامدهای آن است. برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش، از روش تحلیل داده‌های کیفی گردآوری‌شده مربوط به رویدادهای اخیر خاورمیانه و نیز تحلیل مواضع رسمی در سیاست خارجی رهبران سه کشور ایران، عربستان سعودی و ترکیه در قبال برخی تحولات خاورمیانه مانند جنبش‌های موسوم به بیداری اسلامی یا بهار عربی و تکوین بحران‌هایی مانند داعش و بروز تنش در روابط قطر با عربستان سعودی استفاده شده است.

## ۲. پیشینه پژوهش و چارچوب نظری

بروز تنش در عربستان سعودی با قطر سبب شد تا افزون‌بر تغییر سیاست قطر در قبال بحران سوریه، زمینه نزدیکی تهران و دوحه را فراهم کرد (درج و التیامی‌نیا، ۱۳۹۷). شماری از پژوهشگران استدلال کرده‌اند که سه عامل ترویج اسلام اخوانی از سوی قطر، فعالیت‌های شبکه الجزیره و جاه‌طلبی‌های این کشور، مهم‌ترین دلایل قطع روابط و گسست سیاسی عربستان سعودی و قطر است (عالیشاهی و دیگران، ۱۳۹۶). گرومت معتقد است که پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سقوط صدام حسین و تشکیل دولت شیعی در عراق و قیام‌های عربی در ۲۰۱۱ رقابت میان ایران و عربستان سعودی را تشدید کرده و زمینه‌ساز شکل‌گیری جنگ‌های فرقه‌ای بوده است (Grumet, 2015). مابون ادعا می‌کند که ناامنی داخلی بر اثر تبلیغ ایدئولوژی از سوی رقیب سبب تشدید رقابت میان ایران و عربستان سعودی شده است (Mabon, 2015). در برخی پژوهش‌های پیشین به رابطه دو نگرش از اسلام سیاسی به‌سود یا به‌زیان یکدیگر توجه شده است؛ ولی این مقاله ضمن بررسی همکاری و تقابل سه نگرش اسلام سیاسی در خاورمیانه، با توجه به نظریه سازه‌انگاری، همسویی دو نگرش علیه یک نگرش را با توجه به مبحث هویت هر کشور در جریان تحولات خاورمیانه، تحلیل می‌کند. پژوهشگران عامل رقابت و درگیری را مداخله خارجی دانسته‌اند، ولی در اینجا افزون‌بر عوامل خارجی، ریشه‌درگیری‌ها در داخل کشورها و رقابت‌های منطقه‌ای نیز بررسی خواهند شد. رقابت‌های منطقه‌ای با اتکا بر یک برداشت سیاسی از اسلام و تبدیل برداشت از اسلام به‌نوعی ایدئولوژی سیاسی بر شدت واگرایی افزوده است؛ و این امر مهم به نوبه خود سبب شده است تا در بسیاری از موارد برای نیل به اهداف، دولت‌ها به هر اقدامی حتی توأم با خشونت در حد اعلای آن اقدام کنند.

چارچوب نظری مورد استفاده در این نوشتار رویکرد سازه‌انگاری است، که از ترکیب رویکردهای دیگر تشکیل شده است (قوام، ۱۳۸۴: ۲۲۲). این مکتب از مکاتب فلسفی دیگر به‌ویژه مکتب فرانکفورت و پست‌مدرن تأثیر پذیرفته است؛ و این تأثیرپذیری رهیافت

سازهانگاری، سبب شده تا سوژه‌ها بیش از ابژه‌ها اهمیت داشته باشند. تأکید بر سوژه‌ها سبب اهمیت هنجارها و ارزش‌ها در سازهانگاری و اهمیت فضای بین‌الذهانی شده است (Checkel, 1998: 38). در این رهیافت، هویت از کلیدی‌ترین مفاهیم است. هویت‌ها سیال و تغییرپذیرند و در فرایند تعامل ایجاد می‌شوند (آقایی و رسولی، ۱۳۸۸: ۵). در تحلیل سازهانگاران، بازیگران به‌ویژه دولت‌ها نقش محوری دارند. رفتار سیاسی بازیگران در عرصه داخلی و خارجی را ساختارها تعیین می‌کنند. ساختارها تنها مادی نیستند، بلکه ساختارهای معنوی دربرگیرنده هنجارها، ارزش‌ها و هویت‌ها که حاصل معرفت بین‌الذهانی هستند، نقش مهمی در رفتار سیاسی دولت‌ها دارند. از این‌رو، از نگاه سازهانگاران دولت‌ها به‌عنوان کنشگران سیاست خارجی برای نیل به منافع ملی بر اساس ساختارهای ارزشی، فرهنگی و هنجارهای معنوی رایج در یک جامعه اقدام به کنشگری در عرصه روابط بین‌الملل می‌کنند (اخوان کاظمی و مشتاقی، ۱۳۹۰: ۳۸). بر پایه این رهیافت، بازیگران در عرصه روابط بین‌الملل، بر اساس درکی که از خود، برداشتی که دیگران از آنها و نیز شناختی که خود آنها از برداشت و ماهیت دیگری دارند، عمل می‌کنند. بر اثر تعامل میان درک، شناخت و برداشت، عامل هویت برجسته می‌شود (نکوئی، ۱۳۸۸: ۵۱). در تعریف هویت می‌توان گفت هویت عبارت است از فهم‌ها و انتظارات در مورد خود که خاص نقش است (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۳۳۳-۳۳۲). هویت به ملت‌ها اجازه می‌دهد تا جهان خود را معنادار کنند، به دسته‌بندی موجودیت‌های دیگر اقدام کنند و آنها را دوست یا دشمن، رقیب و حریف خود تعریف کنند. دولت‌ها با این انگارش‌ها، درصدد تغییر یا حفظ وضع موجود برمی‌آیند، با کشوری متحد می‌شوند یا علیه کشوری وارد عمل می‌شوند (Wilmer, 2002: 59).

در سه کشور ایران، عربستان سعودی و ترکیه، ارزش‌ها و به‌عبارت بهتر هویت در هر سه جامعه بر اساس نوع برداشت از اسلام صورت گرفته است. در جمهوری اسلامی ایران هویت بر اساس برداشت شیعی برآمده از انقلاب اسلامی ایران، در عربستان سعودی بر اساس برداشت سلفی و در ترکیه بر پایه برداشت اخوانی از اسلام است. شایان یادآوری است که حزب عدالت و توسعه در ترکیه به‌عنوان شاخه‌ای از اخوان‌المسلمین، برداشت دموکراتیک و لائیک از اسلام دارد. این حزب و دولت برآمده از آن اگرچه هویت خود را بر پایه دکترین نوع‌مانی‌گری و رهیافت تاریخی و قومی بازتعریف می‌کند؛ ولی درصدد بهره‌گیری از برداشت اخوانی از اسلام به‌عنوان ابزاری برای نیل به اهداف خود یعنی احیای نفوذ تاریخی و اقتصادی خود در منطقه‌ای از غرب آسیا تا شمال آفریقا است. از این‌رو، به‌نظر می‌رسد با توجه به تأکید سازهانگاران بر نقش ساختارهای ذهنی در نوع کنشگری دولت‌ها در سیاست خارجی سه کشور ایران، عربستان سعودی و ترکیه بر پایه نگرش متفاوت از اسلام، هر یک هویتی متفاوت

برای خود در مقابل غیریت، تعریف و از آن برای نیل به اهداف منطقه‌ای خود و به‌ویژه هژمون کردن نفوذ منطقه‌ای و رهبری جهان اسلام استفاده می‌کنند؛ ولی از آنجا که بر پایه تحلیل سازه‌انگارانه هویت‌ها بر پایه نوع برداشت بین‌الادّهانی شکل می‌گیرند و قطعی نیستند؛ در این پژوهش نیز شاهد تغییر رفتار سیاسی دولت‌ها با یک نگرش از اسلام در قبال کنشگر و برداشت دیگر از اسلام از همکاری تا تقابل هستیم. در این نوشتار، سازه‌انگاری برای تحلیل سیاست‌های ترکیه، ایران و عربستان سعودی در قبال یکدیگر به کار می‌رود.

### ۳. سه نگرش اسلام سیاسی

امروزه در خاورمیانه رقابتی نرم و آشکار میان سه نگرش اسلام شیعی با محوریت ایران، اسلام اخوانی با محوریت ترکیه و البته بازیگری قطر و اسلام سلفی با محوریت عربستان سعودی در منطقه در جریان است. یکی از نکات مهم در مورد نگرش اخوانی ترکیه این است که اسلام اخوانی خاستگاهی مصری دارد؛ ولی سکانداری آن اکنون با ترکیه است. نسل اولیه اخوان‌المسلمین به رهبری «حسن‌البناء» مشی اعتدالی داشتند، ولی گام‌به‌گام برخی تحولات سیاسی و اجتماعی سبب رویکرد این سازمان به رفتار سیاسی و نظامی شد (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۳۰). در این نگرش حاکمان قطر نیز به علت حمایت‌های سخاوتمندانه از اسلام‌گرایان اخوانی و البته اعتقاد شیخ تمیم جوان به این نگرش، جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند (میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۶: ۴۷). در ترکیه حزب عدالت و توسعه که شاخه‌ای از تفکر اخوانی است، با طرح دکترین نوع‌ثمانی‌گرایی در صدد احیای سلطه بر جهان اسلام است. این دکترین دو هدف دارد: ۱. احیای نفوذ تاریخی ترکیه در منطقه از راه ارائه الگویی از حکومت اسلامی سکولار؛ و ۲. ارتقای جایگاه جهانی ترکیه از راه گسترش روابط با کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای (کوزه‌گر، ۱۳۸۶: ۱۷۹). البته تأمل در مانیفست اولیه اخوان مبنی بر جامعیت دین اسلام و تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی با دیدگاه‌های فعلی رهبران ترکیه مبنی بر جنبه‌های شخصی اسلام و تأکید بر تشکیل حکومت‌های لائیک در کشورهای درگیر در تحولات ۲۰۱۱ خاورمیانه و سقوط دیکتاتوری در این کشورها در تضاد است.

با وجود تفاوت ماهوی میان هدف اولیه نهضت اخوان و اهداف کنونی حزب عدالت و توسعه، واقعیت این است که حزب عدالت و توسعه در راستای دکترین نوع‌ثمانی‌گری در صدد احیای نفوذ تاریخی و معنوی خود از غرب آسیا تا شمال آفریقا یعنی قلمرو امپراتوری پیشین عثمانی، دست‌کم از نظر نفوذ اقتصادی، سیاسی و معنوی است. به نظر می‌رسد در راستای چنین هدفی است که اردوغان لباس امپراتور عثمانی را بر تن کرده و با دعوت از رهبران کشورها خود را به‌عنوان رهبر جهان اسلام معرفی می‌کند. از این رو، هدف ترکیه از تأکید بر تفکر

اخوانی، تلاش برای نیل به اهداف خود جهت رهبری دوباره جهان اسلام با استفاده از برتری و تفوق اقتصادی خود پس از ناکامی در پیوستن به اتحادیه اروپا و برخی بی‌اعتمادی‌ها به غرب به‌ویژه پس از کودتای ناکام ۲۰۱۶ و شورش‌های پارک گزی است (عظیم‌زاده اردبیلی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۸).

در مقابل، در ایران نگرش اسلام سیاسی شیعی وجود دارد؛ و بر پایه آموزه‌های این مکتب در دوران غیبت، حکومت‌های حاکم غصبی به‌شمار می‌آیند و در صورت فرصت، علماء اقدام به تأسیس حکومت می‌کنند (حقیقت، ۱۳۸۹: ۲۶۳). پیروان آیین تشیع جایگاه ویژه‌ای برای نقش دین در اجتماع در نظر گرفته، و همچنین بر اهمیت و جایگاه عقل در استخراج احکام الهی اعتقاد راسخ دارند که موجب عدم انسداد مسیر اجتهادهای شرعی از جانب فقها شده است (زارعی، ۱۳۹۷: ۴۱-۴۰). در عربستان سعودی اسلام سلفی حاکم است و دربرگیرنده ابعاد هویتی سلفی و وهابی تکفیری است و در مذاهب چهارگانه اهل سنت نمی‌گنجد (ستوده و خزایی، ۱۳۹۳: ۱۵). اصطلاح سلفی به نهضتی برمی‌گردد که در سده نوزدهم میلادی از سوی برخی تجددخواهان مکتب اهل سنت در واکنش به بروز نشانه‌های انحطاط در امپراتوری عثمانی شکل گرفت. هدف اولیه رهبران این جنبش زدودن زوائد و خرافات از اسلام و بازگشت به سیره سلف صالح بود؛ ولی کم‌کم این نهضت از سوی گروه‌هایی مانند وهابیت از مسیر اصلی منحرف و زمینه نوعی رادیکالیسم اسلامی را فراهم کرد؛ جریانی که آبخور اصلی فکری آن اندیشه‌های ابن تیمیه بود (غفاری هشجین و علیزاده سیلاب، ۱۳۹۳: ۹۳-۹۱). در دو دهه اخیر نوع جدیدی از سلفی‌گری با عنوان سلفی‌گری تکفیری شکل گرفته است که ریشه‌های آن به جنبش القاعده در ۱۹۸۸ برمی‌گردد، و اکنون در گروه‌هایی مانند جبهه النصره تجلی یافته است. این نگرش ماهیت فرقه‌ای دارد، سایر مذاهب و نگرش‌ها از اسلام را تکفیری تلقی کرده و چهره‌ای خشن و غیرمنطقی از دین مبین اسلام ارائه کرده است که برای غلبه بر رقبا و رسیدن به قدرت از خشونت و ترور استفاده می‌کند (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۴۳-۱۴۰). نگرش سلفی‌گری نگاه حداکثری به دین داشته و در حوزه هستی‌شناسی، نیز نگاه حس‌گرا و ظاهرگرا دارد. در این گفتمان عقل جایگاه بسیار ضعیفی دارد و در برخورد با اقتضائات زمانه هرگونه نوآوری را بدعت می‌داند (زارعی، ۱۳۹۷: ۷۰-۶۹).

در دوره‌های زمانی مختلف با توجه به هویت و منافع متعددی که این سه نگرش داشته‌اند، دو نگرش علیه یک نگرش دیگر همکاری داشته است که در ادامه بیان می‌شود. این همکاری‌ها نشان می‌دهد در هر مقطعی این کشورها با توجه به هویت و منافع خود، با نگرشی که در راستای منافع آن کشور و نگرش عمل کرده است، همسویی داشته‌اند. در نتیجه دوستی و دشمنی دائمی وجود ندارد و این هویت‌ها و منافع نشأت گرفته از آن است که اصالت دارد.

#### ۴. همسویی جریان اخوانی ترکیه و سلفی-تکفیری عربستان سعودی علیه جریان شیعی ایران در بهار عربی و بحران‌های عراق و سوریه

بحران بهار عربی یا بیداری اسلامی از تونس و با خودسوزی بنوعیزی آغاز شد و پس از سقوط بن‌علی در تونس، همانند دومینو به سایر کشورهای عربی و اسلامی مانند مصر، لیبی، بحرین و سوریه نیز گسترش یافت. به‌دنبال گسترش این دومینو سه کشور ایران، عربستان سعودی و ترکیه هر یک درصدد برآمدند تا با استفاده از این تحولات نفوذ معنوی خود را در منطقه افزایش دهند. نگرانی از گسترش نفوذ ایران سبب همکاری دو اردوگاه سلفی و اخوانی یعنی عربستان سعودی و ترکیه در مراحل اولیه برای مقابله با نفوذ ایران شد. عراق و سوریه دو کانون اصلی همکاری این دو نگرش علیه ایران بود (Furting, 2014: 209-210). در این زمینه ترکیه در جریان بهار عربی سعی داشت تا ترکیبی از اسلام و دموکراسی ارائه دهد و در کشورهای درگیر بحران و یا کشورهایی که رژیم آنها سقوط کرده، حکومت‌های لائیک تأسیس کند. این کشور همچنین با هدف محدود ساختن نفوذ ایران و استقرار رژیم‌های مشابه خود درصدد بهره‌برداری از تحولات کشورهای عراق و به‌ویژه سوریه برای نیل به اهداف خود برآمد (Fuller, 2014: 25-42). هدف دیگر ترکیه فراهم کردن زمینه انتقال منابع گاز خلیج‌فارس به اروپا از راه ترکیه بوده است؛ که ضمن کاهش دادن اهمیت و موقعیت ژئواکونومیک و ترانزیتی ایران، اهمیت ترکیه به‌عنوان شریک راهبردی اتحادیه اروپا را بالا برد (موسوی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۸۰).

با شروع بحران سوریه، نخست ترکیه سیاست حمایت از اصلاحات را در پیش گرفت و پس از تظاهرات اولیه مخالفان، به بشار اسد توصیه کرد اصلاحات اساسی را انجام دهد؛ ولی با گسترش ناآرامی‌ها، ترکیه سیاست حمایت از اصلاحات را کنار زد و با اعلان پشتیبانی رسمی از نیروهای مخالف مانند ارتش آزاد و اخوان‌المسلمین، حتی در ترکیه اقدام به برگزاری کنفرانس گذار به دموکراسی و کمک به تشکیل شورای ملی مرکب از مخالفان دولت اسد کرد. در راستای این سیاست، ترکیه اقدام به آموزش نظامی شورشیان کرد و با شرکت در کنفرانس ژنو ۱ و ژنو ۲ خواهان برکناری بشار شد (Kardas, 2010: 115-136). ترکیه به اخوانی‌های سوریه امیدوار بود، ولی آنها پایگاه منسجمی نداشتند؛ بنابراین ترکیه در ادامه به داعش به‌عنوان نیروی جایگزین روی آورد تا از آنان به‌عنوان اهرمی برای به چالش کشیدن اسد استفاده کند (علی‌حسینی و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۰). با شکل‌گیری بحران عراق و مبارزه‌های مسلحانه گروه داعش نیز دولت ترکیه به شیوه‌های مختلف، دولت شیعی مستقر در عراق را تضعیف و به داعش کمک کرد (Kardas, 2010: 115-136).

برخلاف ترکیه، جمهوری اسلامی ایران، تحولات اخیر را «بیداری اسلامی» می‌خواند و ریشه‌های آن را نشأت‌گرفته از انقلاب اسلامی ایران می‌داند و آن را در جهت منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران قلمداد می‌کند (نجات، ۱۳۹۳: ۶۴) و با توجه به آرمان‌های جمهوری اسلامی از جمله عدالت و پشتیبانی از مستضعفان از این جنبش‌ها استقبال کرد (زارعی، ۱۳۹۷: ۳۷). مهم‌ترین اقدام ایران در سیاست خارجی خود برای نیل به هدف، افزایش تماس با تمامی گروه‌های اسلام‌گرا در منطقه و تشکیل نهادها و مؤسساتی همچون تأسیس دبیرخانه مجمع بیداری اسلامی برای کمک در جهت پیروزی این جنبش‌ها بود (نجات، ۱۳۹۳: ۶۴). ایران در آغاز نسبت به تحولات جهان عرب محتاطانه عمل کرد، ولی عملکرد و سیاست‌ها و نیت‌های توسعه‌طلبانه ترکیه در سوریه و عراق موجب شد ایران، ترکیه را تهدیدی جدی برای منافع خود بداند و از راه ائتلاف با روسیه و سوریه علیه این کشور دست به موازنه بزند (Katz, 2013: 38-46). در نتیجه، بحران سوریه موجب فاصله گرفتن دو کشور شد؛ زیرا آینده سوریه به نمایش قدرت برای هر دو کشور تبدیل شده بود (Ertugral, 2012: 1-7). هدف ایران در سوریه حفظ بشار اسد در قدرت به‌عنوان هم‌پیمان راهبردی خود در منطقه و استفاده از موقعیت این کشور برای کمک به حزب‌الله بود؛ حال آنکه در مقابل، ترکیه درصدد سرنگونی حکومتی اسد و تغییر نظام سیاسی آن بود.

مواضع عربستان سعودی را نیز در رویارویی با تحولات جهان عرب در سطوح مختلف می‌توان بررسی کرد. عربستان سعودی از سویی تلاش می‌کرد تا نظام‌های محافظه‌کار عرب را از روند تغییرات محافظت کند و از طرف دیگر، در موضعی متعارض در پی تغییر نظام‌های عرب ناهمسو با غرب بود (سیفی و پورحسن، ۱۳۹۳: ۱۴۳). عربستان سعودی این کشورها را حیات خلوت خود می‌داند و به دنبال ضمیمه کردن خاک این کشورها به قلمرو خود بوده و همواره در جهت ضدیت با تحولات انقلابی منطقه و کنترل آنها عمل کرده است؛ چراکه نخستین نتیجه انقلابات، تحولات ساختاری منطقه است که عربستان سعودی به‌دلیل ساخت سنتی و استبدادی خود از این تحولات هراس دارد و این تحولات را توطئه ایران جهت رخنه در جوامع اهل سنت می‌داند (زارعی، ۱۳۹۷: ۶۷). ریشه‌های اختلاف دو کشور ایران و عربستان سعودی در منطقه در سه نکته است؛ یکی رقابت منطقه‌ای و تلاش برای رهبری منطقه، دوم تقابل ایدئولوژیک و پشتیبانی دو کشور از دو نگرش متفاوت از اسلام و سوم ماهیت متفاوت سیاست خارجی دو کشور. عربستان سعودی هم‌پیمان غرب و حامی رژیم‌های محافظه‌کار است، حال آنکه جمهوری اسلامی ایران از منظر غرب ایجادکننده چالش‌های فراروی منافع غرب و امنیت رژیم‌های محافظه‌کار منطقه است (Jahner, 2012: 39). از این رو، عربستان سعودی بر پایه رویکرد سلبی هویت خود، سوریه را نیز دشمن و (دیگری) هویت خود



می‌داند (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۲). از بعد ژئوپلیتیک، با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک سوریه و همچنین اینکه سوریه به‌عنوان مهم‌ترین هم‌پیمان منطقه‌ای خاورمیانه‌ای ایران در جنگ هشت‌ساله با عراق، از ایران پشتیبانی کرده و در دوره‌های بعد نقش توازن‌بخش در روابط ایران و اعراب را بر عهده داشته است، یکی از اهداف اصلی عربستان سعودی، به انزوا کشاندن سوریه برای ممانعت از نفوذ ایران در شامات و لبنان بوده است (Leverett & Leverett, 2012: 218). از بعد ایدئولوژیک نیز از نگاه عربستان سعودی، سوریه به‌دلیل پشتیبانی از جبهه مقاومت، تهدیدی برای رژیم‌های محافظه‌کار منطقه به‌شمار می‌آید (کاویانی‌راد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۳).

از نظر سیاستمداران سعودی، سقوط بشار اسد به‌عنوان هم‌پیمان اصلی ایران در منطقه بار دیگر زمینه را برای برقراری نوعی توازن قوا، که پس از پایان جنگ ایران و عراق و شروع جنبش‌های بهار عربی از ۲۰۱۱ به نفع ایران تغییر کرده بود، فراهم می‌کرد. با توجه به چنین تحلیلی سیاست عربستان سعودی در قبال سوریه از یک سو پشتیبانی از مخالفان از راه کمک‌های مختلف مالی، نظامی و تبلیغاتی و از سوی دیگر وارد آوردن فشار به بشار اسد از راه ابزارهای دیپلماتیک، مانند اخراج سوریه از اتحادیه عرب، ترغیب کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس به قطع روابط دیپلماتیک با دمشق و انزوای سوریه در جهان عرب بود (Grumet, 2015: 128-129).

سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال عراق پس از صدام نیز به‌دلیل احتمال تأثیر تحولات عراق بر جامعه شیعی سعودی و گسترش ژئوپلیتیک شیعی، رقابت با ایران بوده است. از این رو، محتمل‌ترین تأثیر روند دموکراتیک عراق و به قدرت رسیدن شیعیان، تأثیر بر جامعه شیعی عربستان سعودی بوده است (Gause, 2011: 5). در این زمینه عربستان سعودی سعی کرده از ابزارهای سیاست خارجی خود مانند ایدئولوژی (وهابیت) برای مقابله با ایران استفاده کند، و تلاش کرد نوعی بنیادگرایی سنی را در مقابل حکومت‌های شیعه منطقه گسترش دهد (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۱۶۶). از این رو، تحولات جدید منطقه، ترکیه و عربستان سعودی را با وجود اردوگاه‌های سیاسی و ساختاری مختلف، به سمت تشکیل بلوک سنی در مقابل بلوک شیعی ایران سوق داد (Ataman, 2012: 131-132). در واقع، هدف ریاض از نزدیکی به ترکیه، ایجاد توازن در برخورد با ایران و مهار تفکر اخوانی مصر است. ترکیه نیز به‌دنبال مقابله با چالش‌های امنیتی فراروی خود در صورت سقوط اسد و احیای ادعای تاریخی سوری‌ها در مورد ایالت اسکندرون بود.

## ۵. همسویی جریان اخوانی ترکیه و شیعی ایران علیه جریان سلفی - تکفیری عربستان سعودی در تحولات مصر و بحران قطر

ترکیه در طول قیام مردم مصر علیه حسنی مبارک با توجه به ارتباط و نزدیکی دیدگاه‌های نخبگان سیاسی حزب عدالت و توسعه و گروه اخوان المسلمین از تظاهرکنندگان مصری پشتیبانی کرد، و امیدوار بود در مصر پس از مبارک نفوذ سیاسی، معنوی و اقتصادی خود را گسترش دهد و با ترغیب انقلابیون مصر به تشکیل دولتی مشابه دولت ترکیه منافع آینده خود در این کشور را تضمین کند (Oniş, 2012: 25). پس از سقوط مبارک و به قدرت رسیدن محمد مرسی به‌عنوان رئیس‌جمهوری وابسته به اخوان، به دلیل نزدیکی دیدگاه‌های او به حزب عدالت و توسعه ترکیه و نیز برداشت دو طرف از اسلام دموکراتیک و نفی نظامی‌گری، زمینه گسترش روابط سیاسی و اقتصادی ترکیه و مصر فراهم شد (فیرحی، ۱۳۹۲).

جمهوری اسلامی ایران در آغاز از تحولات مصر که به سقوط مبارک و به قدرت رسیدن مرسی منجر شد، استقبال کرد. نگاه مثبت ایران به تحولات مصر ناشی از پایگاه مذهبی مرسی از نظر وابستگی به اخوان، امکان همسویی سیاست‌های ضد اسرائیلی دولت آینده مصر با ایران و از سرگیری روابط دیپلماتیک میان دو کشور به‌منظور گسترش نفوذ خود در منطقه بود (محمودیان، ۱۳۹۱: ۱۲۰-۱۱۰). در مقابل موضع عربستان سعودی در قبال روی کار آمدن محمد مرسی منفی بود. عربستان سعودی از به قدرت رسیدن اخوانی‌ها به‌عنوان مهم‌ترین رقیب تفکر سلفی هراس داشت (رستمی و تارا، ۱۳۹۷: ۱۲۷). بدین ترتیب، با وقوع انقلاب و به قدرت رسیدن اسلام‌گراها در مصر، منافع عربستان سعودی به خطر افتاد. از این رو، عربستان سعودی سیاست پشتیبانی از گروه‌های سلفی مخالف مرسی را در دستور کار خود قرار داد (اخوان کاظمی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۳۵). در نتیجه، با روی کار آمدن دولت مرسی رقابت شدیدی میان عربستان سعودی و ترکیه برای واپایش تحولات مصر آغاز شد؛ هرچند جمهوری اسلامی نیز تمایل به هدایت جنبش مصر و همسویی آن با سیاست‌های خود در منطقه داشت، ولی رقابت اصلی میان ترکیه و عربستان سعودی بود. مرسی ابتدا به سمت عربستان سعودی رفت، ولی پس از سفر اردوغان به مصر و تأکید بر شکل‌گیری دولتی لائیک در این کشور و سپس سفر مرسی به ترکیه و پشتیبانی از ادعای اردوغان برای رهبری جهان اسلام، کم‌کم در داخل دولت مرسی از گروه‌های سلفی به‌ویژه حزب النور فاصله گرفت و در خارج نیز سبب فاصله‌گیری مصر از عربستان سعودی شد.

در بحران قطر نیز موضع سه کشور متفاوت بود. آغاز اختلاف‌های قطر و همسایگانش به ۱۹۹۵ باز می‌گردد؛ یعنی زمانی که شیخ حمد با کودتایی پدرش شیخ خلیفه را کنار زد و به امیری قطر رسید. سعودی‌ها نحوه انتقال قدرت در قطر به‌ویژه بدون مشورت با سعودی‌ها را

بدعتی می‌دانستند که می‌تواند امنیت منطقه و ثبات رژیم‌های دودمانی و غیرمردمی منطقه را با چالش مواجه کند. پس از مخالفت سران شورای همکاری خلیج فارس با به قدرت رسیدن شیخ حمد و تلاش برای اعاده قدرت شیخ خلیفه و کشف کودتایی علیه او در جهت خلع شیخ حمد از قدرت، سیاست جدید قطر در مقابله با سعودی‌ها شکل گرفت و قطر روزبه‌روز از سعودی‌ها دورتر شد. ناکامی انقلاب‌های عربی، تشدید تقابل با سعودی‌ها، بیماری امیر قطر و ترس از تکرار کودتا، سبب شد حمد در اقدامی در ظاهر داوطلبانه زمام امور قطر را به شیخ تمیم جوان بسپارد. تمیم نزدیکی بیشتری به اسلام‌گرایان داشته، عمل‌گرایی سیاسی را آشکارتر در دستور کار قرار داده، سیاست‌هایی که تقابل با ایران و محور مقاومت را تعدیل کرده است و ارادت خود را به سران اخوان به‌طور آشکار نشان می‌دهد (میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۶: ۴۸-۴۷).

یکی دیگر از اختلاف‌های عربستان سعودی با قطر به موضوع نزدیکی قطر به اخوان‌المسلمین و پشتیبانی‌های این کشور از این گروه اسلامی مربوط می‌شود. عربستان سعودی اخوان را رقیب ایدئولوژیک خود تلقی کرده است، و آن را به‌عنوان یک گروه تروریستی معرفی می‌کند؛ حال آنکه قطر با پشتیبانی‌های مالی و سیاسی از گروه‌های اخوانی در کشورهای منطقه درصدد گسترش نفوذ معنوی خود است. از این‌رو، عربستان سعودی یکی از راه‌های مقابله با قطر را معرفی این کشور به‌عنوان حامی تروریسم و وارد آوردن فشار به این کشور جهت مقابله با نفوذ منطقه‌ای این کشور در میان گروه‌های اخوانی می‌داند (درج و التیامی‌نیا، ۱۳۹۷: ۴۱-۴۰).

با توجه به فاصله‌گیری عربستان سعودی از قطر، سیاست خارجی قطر در قبال تحولات سوریه تغییر کرده است. با شکل‌گیری بحران سوریه، قطر از نخستین کشورهای بود که از مخالفان دولت اسد پشتیبانی کرد (Katari, 2013: 11) و با به رسمیت شناختن آنها خواستار اعمال تحریم و مداخله نظامی در سوریه شد (Stuster, 2017: 4). عربستان سعودی نیز به دنبال به قدرت رساندن گروه‌های سلفی در سوریه بود تا وزن جبهه اسلام سلفی در منطقه تقویت شود. گروه‌های مخالف دولت سوریه افزون‌بر حامیان منطقه‌ای از سوی دولت‌های غربی، به‌ویژه دولت آمریکا، پشتیبانی می‌شدند. دلیل این پشتیبانی همسویی سیاست خارجی سوریه با جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانی این کشور از گروه‌های فلسطینی بود (مسعودنیا و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۸)؛ ولی با گذشت زمان و بروز تنش در روابط قطر و عربستان سعودی همراه با رقابت این دو کشور در سوریه برای دوران پسا اسد (Schmierer, 2017: 175-176) پس از پیروزی‌های جبهه مقاومت و قطعی شدن سقوط نکردن دولت سوریه، کم‌کم قطر از اردوگاه مخالفان دولت سوریه و در رأس آن عربستان سعودی فاصله گرفت و برای مقابله با تهدید این کشور و برقراری نوعی توازن قوا به ایران و جبهه مقاومت نزدیک شد (درج و التیامی‌نیا، ۱۳۹۷:

۲۸). در این زمینه موضع ایران به تحولات قطر مثبت بوده است. برخلاف اینکه جمهوری اسلامی ایران قطر را یکی از کشورهای پشتیبان تکفیری‌ها در سوریه می‌دانست، ناگهان بر اثر اختلافی که بین این کشور و عربستان سعودی در گرفت، سیاست خود را نسبت به قطر تغییر داد و به پشتیبانی از قطر در برابر محاصره اقتصادی و سیاسی بلوک عربستان سعودی برخاست و در این راه ترکیه را نیز تا اندازه زیادی به خود نزدیک ساخت (نوروزپور و خدایی، ۱۳۹۶).

در مقابل شیخ تمیم بن حمد آل‌ثانی نیز پس از اختلاف با عربستان سعودی در صدد نزدیکی با ایران برآمد تا از یک سو از فشارهای عربستان سعودی از نظر سیاسی علیه خود بکاهد و از سوی دیگر با گسترش مناسبات اقتصادی و تجاری با ایران بخشی از نیازهای اقتصادی خود در زمان محاصره را کاهش دهد؛ در ضمن نزدیکی قطر به ایران می‌توانست راهکاری برای مقابله با ادعاهای برتری‌جویانه عربستان سعودی در منطقه باشد (آرمند، ۱۳۹۶: ۲). پس از طرح محاصره قطر از سوی عربستان سعودی، بحرین، امارات و مصر و به دنبال آن قطع مناسبات دیپلماتیک با قطر، دولت اردوغان نه‌تنها با محاصره قطر مخالفت کرد، بلکه از این کشور پشتیبانی‌های اقتصادی و نظامی نیز کرد. ترکیه نیازهای اقتصادی قطر را تأمین و مجلس این کشور طرح اعزام نیرو به قطر را تصویب کرد. در مقابل سیاست‌های ترکیه در پشتیبانی از قطر، عربستان سعودی نیز شرط پایان محاصره این کشور را قطع پشتیبانی‌های قطر از گروه‌های تروریستی به‌ویژه اخوان اعلام کرد (عالیشاهی و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۱-۶۰).

قطر به‌همراه ترکیه، از مهم‌ترین حامیان اسلام اخوانی است؛ اسلامی که در تنش اساسی با گفتمان اسلام وهابی عربستان سعودی است. با توجه به فاصله‌گیری عربستان سعودی از ترکیه، سیاست خارجی ترکیه نیز نسبت به سوریه تغییر کرده است. باید دقت کرد که مهم‌ترین دغدغه ژئوپلیتیکی ترکیه در منطقه، مهار جریان‌های کردهای معارض است. با قدرت‌گیری حزب اتحاد دموکراتیک کردستان در نواحی چشمگیری از سوریه و آزادسازی الرقه با همکاری آمریکا، این جریان برای ترکیه به تهدید امنیتی شدیدی تبدیل شد و مهار جریان کردهای معارض جایگزین براندازی رژیم سوریه شد. در چنین شرایطی زمینه برای همکاری بین ایران، ترکیه و سوریه فراهم شده است (نیاکوئی و حاجی، ۱۳۹۶: ۱۱۱). البته شایان یادآوری است که پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه و کاهش نقش نظامیان در ترکیه همراه با ناامیدی این کشور از پیوستن به اتحادیه اروپا سبب شد تا این کشور در سیاست منطقه‌ای خود تجدیدنظر کرده و دکترین نوعثمانی‌گری را مطرح کند (Davutoglu, 2001: 71) که از مهم‌ترین اصول آن به صفر رساندن تنش با همسایگان و ایفای نقش میانجی در بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مانند موضوع هسته‌ای ایران بوده است. بروز بحران سوریه و پشتیبانی ترکیه از مخالفان دولت اسد سبب بروز کدورت‌هایی در روابط ایران و ترکیه شد؛ ولی پس از تغییر

اوضاع در سوریه به نفع اسد و جبهه مقاومت کم‌کم ترکیه از اردوگاه سلفی فاصله گرفت و این موضوع همراه با بحران قطر سبب کاهش سطح روابط ترکیه با عربستان سعودی و در مقابل نزدیکی به ایران شد (Caravelli, 2011: 180-185). در نتیجه ترکیه روابط خود را با ایران گسترش داده است، ولی از سوی دیگر روابط ترکیه و عربستان سعودی کاهش یافته است.

با این حال اسلام سلفی متناسب با اقتضائات زمانه در برابر اسلام اخوانی از اقبال کمتر و رو به افولی حتی در عربستان سعودی برخوردار است. یکی از دلایل افول این جریان، موقعیت رو به رشد اخوانی‌ها در عربستان سعودی است. هلال سلفی نه تنها هلال شیعی، بلکه هلال اخوانی را نیز به‌عنوان یکی از دو رقیب ایدئولوژیک خود نمی‌پذیرد. با وجود ائتلاف‌های مقطعی میان ریاض، دوحه و آنکارا، توافق سیاستمداران درباره بیرون آمدن صدایی واحد از جهان اهل سنت دشوار است (میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۶: ۴۷)؛ چراکه از یک سو شکست داعش در سوریه و عراق همراه با بروز شکاف در اردوگاه اخوانی-سلفی و از سوی دیگر فاصله‌گیری ترکیه و قطر از عربستان سعودی و در مقابل نزدیکی به جمهوری اسلامی ایران همراه با مشارکت ترکیه در طرح ایران و روسیه برای سوریه پس از داعش سبب انزوای اردوگاه سلفی شده است (درج و التیامی‌نیا، ۱۳۹۷: ۳۸ و ۴۸). در واقع، با توجه به روند شایع مردم‌سالاری در منطقه، اسلام سلفی در آینده نقش زیادی نداشته و از سوی دیگر تضعیف جایگاه عربستان سعودی در میان کشورهای عربی پس از تحولات، بهترین فرصت را در اختیار ایران برای گسترش نفوذ خود قرار می‌دهد. از این رو، تشدید دشمنی با ایران در منطقه موجب طولانی شدن جنگ‌های نیابتی شده و از سویی تحریم قطر و فشار بر آن، تضعیف هرچه بیشتر دنیای عرب را در پی دارد که در نتیجه جایگاه عربستان سعودی را به مخاطره می‌اندازد و محور ترکیه-ایران قطر را مستحکم می‌کند (ابوالفتیحی و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۲۴).

## ۶. نتیجه

خاورمیانه و منطقه غرب آسیا از جمله مناطقی در جهان سیاست طی سال‌های اخیر است که دچار واگرایی و درگیری‌های درون منطقه‌ای بوده است. این درگیری‌ها ریشه‌های درونی داشته‌اند، و هرازچندگاهی نیروهای فرامنطقه‌ای به آنها دامن زده‌اند. یکی از مهم‌ترین رویدادهای خاورمیانه در دوره آغازین هزاره سوم، رشد و تکوین جنبش‌های مردمی و دیگری رشد اسلام‌گرایی از نوع سلفی-تکفیری بوده است که نقطه اوج آن شکل‌گیری دولت داعش در بخش‌هایی از خاک سوریه و عراق بود. تأمل در مسیر رویدادهای این دو تحول یعنی جنبش‌های مردمی که از تونس آغاز شد، و سپس به دیگر کشورها سرایت کرد، همراه با

جریان‌های گروه داعش، بیانگر این مهم است که این تحولات همراه با رقابت قدرت‌های منطقه‌ای بوده است که هر کدام از این کشورها بر پایه برداشت ویژه خود از اسلام درصدد هژمون کردن نگرش خود از اسلام بوده‌اند.

ریشه درگیری‌های خاورمیانه، تکوین، رشد و رقابت سه برداشت از اسلام - یعنی شیعی انقلابی به رهبری جمهوری اسلامی ایران، اسلام سلفی - تکفیری به رهبری عربستان سعودی و اسلام اخوانی به رهبری ترکیه و قطر - است که اوج رقابت آنها در جریان جنبش‌های موسوم به بهار عربی یا بیداری اسلامی بوده است. در جریان این جنبش نخست دو جریان سلفی و اخوانی با پشتیبانی غرب برای رویارویی با جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از نفوذ منطقه‌ای آن به یکدیگر نزدیک و جبهه‌ای واحد علیه ایران تشکیل دادند. این رقابت از کشورهای شمال آفریقا آغاز شد، و در جریان بحران سوریه به اوج خود رسید؛ چراکه هدف، سرنگونی هم‌پیمان راهبردی ایران در منطقه، یعنی بشار اسد بود. ولی با گذشت زمان در اردوگاه اخوانی - تکفیری شکاف ایجاد شد که در دو رویداد تجلی یافت؛ یکی در جریان سقوط دولت مرسی در مصر که ترکیه و قطر، عربستان سعودی را متهم به دخالت در آن کردند؛ و دیگری در جریان تحریم قطر از سوی عربستان سعودی، بحرین، مصر و امارات بود که با مخالفت ترکیه روبه‌رو شد. این تحولات همراه با ناکامی ترکیه در سوریه، سبب نزدیکی تاکتیکی دو جریان اسلام شیعی ایران و اسلام اخوانی به رهبری ترکیه و قطر شد، و موجب شد که معادلات منطقه‌ای به هم بخورد و قطر بتواند ایستادگی کند. با توجه به چنین پیشینه‌ای می‌توان ادعا کرد که عامل اصلی تشدید درگیری‌های خاورمیانه افزون‌بر رقابت‌های منطقه‌ای، وجود نگرش‌های متفاوت از اسلام سیاسی و استفاده قدرت‌های منطقه‌ای در استفاده از این نگرش‌ها برای هژمون کردن سلطه خود به‌همراه مداخله‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای، به‌ویژه امریکا و رژیم صهیونیستی است؛ بدین ترتیب فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. از این رو، راهبرد اصلی جمهوری اسلامی ایران باید توجه به تحولات منطقه‌ای و ائتلاف‌سازی برای مقابله با هژمون شدن جریان‌های مخالف و همزمان با آن کاهش تنش با ترکیه همراه با گسترش مناسبات اقتصادی به‌منظور مقابله با سیاست‌های رقابتی منطقه‌ای و کاهش فشارهای بین‌المللی باشد.

### بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد؛ و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را که دربرگیرنده پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه‌ی سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره می‌شوند، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

## منابع و مأخذ

## الف) فارسی

۱. آرمند، حسین. (۱۳۹۶) «تنش میان عربستان و قطر؛ پایان رؤیای وحدت کشورهای عربی» مستقل. در: <https://www.mostaghelnewspaper.ir/paper/post/3360>. (۱۰ دی ۱۳۹۸).
۲. آقایی، سید داوود؛ الهام رسولی. (۱۳۸۸) «سازهانگاری و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال اسرائیل» فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۹، ۱: ۱-۱۶. در: [https://jppq.ut.ac.ir/article\\_20142\\_9c7882c0bdbea09f829b500c440b266d.pdf](https://jppq.ut.ac.ir/article_20142_9c7882c0bdbea09f829b500c440b266d.pdf) (۱۰ دی ۱۳۹۸).
۳. ابراهیمی، نبی‌الله. (۱۳۹۰) «اخوانی‌گرایی و سیاست خارجی قطر در قبال انقلاب‌های عربی ۲۰۱۱» فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۵، ۱: ۱۴۸-۱۲۷. در: <http://ensani.ir/file/download/article/20130318133408-9802-15.pdf> (۲۸ دی ۱۳۹۸).
۴. ابوالفتحی، محمد؛ و دیگران. (۱۳۹۷) «مطالعه تطبیقی سیاست خارجی عربستان سعودی و قطر در قبال بحران سوریه؛ ۲۰۱۷-۲۰۱۱» فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۶، ۲۴: ۳۳۰-۳۰۳. در: <http://ensani.ir/file/download/article/1551614363-10027-24-11.pdf> (۲۵ دی ۱۳۹۸).
۵. احمدی، حمید. (۱۳۹۰) سیر تحول جنبش‌های اسلامی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۶. اخوان کاظمی، بهرام؛ الله‌کرم مشتاقی. (۱۳۹۱) «بیداری اسلامی و علل آن با تأکید بر نظرات مقام معظم رهبری» فصلنامه مطالعات جهان اسلام، ۱، ۱: ۶۰-۳۱. در: [http://iws.shahed.ac.ir/article\\_15\\_343c865863effd4396a663aaabbc74a9.pdf](http://iws.shahed.ac.ir/article_15_343c865863effd4396a663aaabbc74a9.pdf) (۲۸ دی ۱۳۹۸).
۷. اخوان کاظمی، مسعود؛ و دیگران. (۱۳۹۵) «تحلیلی بر روابط راهبردی عربستان و اسرائیل» فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۳، ۴۷: ۱۴۶-۱۲۵. در: <http://ensani.ir/file/download/article/1560073822-9668-47-7.pdf> (۲۵ دی ۱۳۹۸).
۸. حقیقت، صادق. (۱۳۸۹) مبانی اندیشه سیاسی در اسلام. تهران: سمت.
۹. درج، حمید؛ رضا التیامی‌نیا. (۱۳۹۷) «تحلیل دیپلماسی قطر در قبال بحران سوریه با تأکید بر روابط سیاسی قطر و عربستان سعودی» مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۷، ۳: ۵۴-۲۳. در: [https://psiw.journals.ikiu.ac.ir/article\\_1550\\_de99c0723a4e4e4a8c477ecf7dc4dbf](https://psiw.journals.ikiu.ac.ir/article_1550_de99c0723a4e4e4a8c477ecf7dc4dbf) (۲۵ دی ۱۳۹۸).
۱۰. رستمی، فرزاد؛ علیرضا تارا. (۱۳۹۷) «تحلیل روابط عربستان سعودی و اسرائیل در سایه توافق هسته‌ای ایران» فصلنامه سیاست جهانی، ۷، ۲: ۱۴۲-۱۱۵. در: [https://interpolitics.guilan.ac.ir/article\\_3089\\_1dec377ea360795061cadf508883a978.pdf](https://interpolitics.guilan.ac.ir/article_3089_1dec377ea360795061cadf508883a978.pdf) (۲۶ دی ۱۳۹۸).
۱۱. زارعی، محمدرضا. (۱۳۹۷) تجزیه و تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های دو الگوی فکری اسلام شیعی و سلفی-تکفیری در منطقه (مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
۱۲. ستوده، علی‌اصغر؛ جعفر خزایی. (۱۳۹۳) «آسیب‌شناسی رشد جریان‌های تکفیری در خاورمیانه» فصلنامه حبل‌المتین، ۳، ۹: ۲۴-۵. در: <https://alefbalib.com/index.aspx?pid=256&PdfID=299302> (۲۶ دی ۱۳۹۸).

۱۳. سیفی، عبدالحمید؛ ناصر پورحسین. (۱۳۹۳) «عربستان و رویارویی هژمونیکی به بیداری اسلامی در حوزه خلیج فارس (مورد: بحرین)» فصلنامه حوزه علمیه، ۵، ۴: ۱۵۶-۱۳۳. در: <http://ensani.ir/file/download/article/20160220155008-9545-69.pdf> (۲۵ دی ۱۳۹۸).
۱۴. عالیشاهی، عبدالحسین؛ و دیگران. (۱۳۹۶) «بررسی روابط سیاسی قطر و عربستان سعودی؛ از تبیین همگرایی تا گسست سیاسی (از بیداری اسلامی تا بحران قطع روابط سیاسی در ژوئن ۲۰۱۷)» فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۷، ۲۴: ۷۲-۵۰. در: [http://sspp.iranjournals.ir/article\\_28601\\_c3df0892d5641d2b8c59c3bdfbe9c911.pdf](http://sspp.iranjournals.ir/article_28601_c3df0892d5641d2b8c59c3bdfbe9c911.pdf) (۳ بهمن ۱۳۹۸).
۱۵. عربیان، حسین. (۱۳۹۵) تحلیل تطبیقی فرصت‌ها و چالش‌های سیاسی-امنیتی دو الگوی ام‌القرایی ایرانی-اسلامی و نوعثمانی‌گرایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
۱۶. علی حسینی، علی؛ و دیگران. (۱۳۹۶) «نقش تحولات فکری رهبران حزب عدالت و توسعه در کنش‌های راهبردی ترکیه (تحلیل سازه‌انگاره)» تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، ۹، ۳۱: ۵۶-۳۱. در: [http://pir.iaush.ac.ir/article\\_594798\\_855eb788e6a4660e8e20de13e00d23d0.pdf](http://pir.iaush.ac.ir/article_594798_855eb788e6a4660e8e20de13e00d23d0.pdf) (۳ بهمن ۱۳۹۸).
۱۷. عظیم‌زاده اردبیلی، منصور؛ و دیگران. (۱۳۹۶) «تحلیل سازه‌انگاره سیاست خارجی نوین ترکیه و رقابت با جمهوری اسلامی ایران» فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۰، ۸: ۱۲۸-۹۵. در: [http://prb.iauctb.ac.ir/article\\_532876\\_d276067f8e89436fa59e4af830821de6.pdf](http://prb.iauctb.ac.ir/article_532876_d276067f8e89436fa59e4af830821de6.pdf) (۳ بهمن ۱۳۹۸).
۱۸. غفاری-هشجین، زاهد؛ سیلاب قدسی‌علیزاده. (۱۳۹۳) «مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری مطالعه موردی: داعش» فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۱۰، ۱۱: ۱۱۲-۸۹. در: [https://psiw.journals.ikiu.ac.ir/article\\_551\\_d4d300b2fd9d62b715d0e942a3628210](https://psiw.journals.ikiu.ac.ir/article_551_d4d300b2fd9d62b715d0e942a3628210) (۴ بهمن ۱۳۹۸).
۱۹. فیرحی، داوود. (۱۳۹۲) «اخوان هنوز شانس پیروزی دارد» گفتگوی دکتر فیرحی با سایت دیپلماسی ایرانی، در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1918469/> (۲۰ دی ۱۳۹۸).
۲۰. قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۴) روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها. تهران: سمت.
۲۱. کاویانی‌راد، مراد؛ و دیگران. (۱۳۹۲) «تبیین ژئوپلیتیک جهت‌گیری تحولات سوریه»، اولین همایش ملی ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا؛ مسائل تحولات و چشم‌انداز، دانشگاه پیام نور طالقان. در: <https://civilica.com/doc/238772>
۲۲. کوزه‌گر، ولی. (۱۳۸۶) پیروزی مجدد اسلام‌گرایان در ترکیه و آینده سیاست خارجی این کشور. تهران: معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۲۳. محمودیان، محمد. (۱۳۹۱) «جنبش اخوان‌المسلمین و آینده سیاست خارجی مصر»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۵، ۵۵: ۱۲۶-۱۰۳. در: <http://ensani.ir/file/download/article/20130318133408-9802-14.pdf> (۴ بهمن ۱۳۹۸).
۲۴. مسعودنیا، حسین؛ و دیگران. (۱۳۹۱) «ترکیه و بحران سوریه از میانجی‌گری تا حمایت از مخالفان دولت»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۱، ۴: ۱۱۰-۸۳. در:



[https://psiw.journals.ikiu.ac.ir/article\\_294\\_3d53e480850dbce3c4b0b530d2cb901.pdf](https://psiw.journals.ikiu.ac.ir/article_294_3d53e480850dbce3c4b0b530d2cb901.pdf). (۲۵ آبان ۱۳۹۸).

۲۵. مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۸) *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*. تهران: سمت.
۲۶. موسوی، سیدحافظ؛ و دیگران. (۱۳۹۵) «تأثیر تحولات جهان عرب بر سیاست منطقه‌ای ایران و ترکیه»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۱۲، ۱: ۱۸۸-۱۶۶. در: <http://ensani.ir/file/download/article/20160719125603-9617-160.pdf> (۲۸ آذر ۱۳۹۸).
۲۷. میرزاده‌کوه‌شاهی، مهدی. (۱۳۹۶) «پایداری قطر و پافشاری عربستان؛ تداوم بحران در خلیج فارس»، *فصلنامه دیده‌بان امنیت ملی*، ۷، ۶۴: ۴۵-۵۰. در: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1381922> (۴ آذر ۱۳۹۸).
۲۸. نجات، سید علی. (۱۳۹۳) «رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات نوین خاورمیانه»، *فصلنامه سیاست*، ۱، ۴: ۶۱-۷۶. در: <http://ensani.ir/file/download/article/20161213114039-10070-13.pdf> (۱۰ دی ۱۳۹۸).
۲۹. نکوئی، احمد. (۱۳۸۸) «تأثیر برجسته شدن نقش و هویت شیعیان در جایگاه ایران در خاورمیانه»، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام*، ۱۰، ۳۷: ۴۷-۷۱. در: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1192102> (۱۲ آذر ۱۳۹۸).
۳۰. نوروز پور، محمدرضا؛ ابوالفضل خدایی. (۱۳۹۶، ۲۹ مهر) «چرا سیاست ایران در قبال قطر ناگهان تغییر کرد؟» *خبرآنلاین*. در: <http://www.khabaronline.ir/news/718626> (۲۰ دی ۱۳۹۸).
۳۱. نیاکویی، سید امیر؛ ویدا حاجی. (۱۳۹۶). «تأثیر خیزش‌های عربی خاورمیانه بر الگوی روابط ایران و ترکیه (۲۰۱۷-۲۰۱۱)»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۷، ۳: ۹۱-۱۲۰. در: <https://elmnet.ir/article/1967266-53847> (۱۱ آذر ۱۳۹۸).
۳۲. نیاکویی، سید امیر. (۱۳۹۱) *کالبدشکافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب*. تهران: میزان.

#### ب) انگلیسی

33. Ataman, Muhittin. (2012) "Turkish– Saudi Arabian Relations during the Arab Uprisings: Towards a Strategic Partnership?" *Insight Turkey* 71, 1: 121-145. Available at: <https://www.insightturkey.com/articles/turkish-saudi-arabian-relations-during-the-arab-uprisings-towards-a-strategic-partnership> (Accessed 27 May 2020).
34. Caravelli, Jack. (2011) *Beyond Sand and Oil, The Nuclear Middle East*. New York: Praeger.
35. Checkel, Jeffery T. (1998) "The Constructive Turn in International Relations theory," *World Politics* 50, 2: 324-348, <DOI:10.1017/s0043887100008133>.
36. Davutoglu, Ahmet. (2001) *Stratejik Derinlik: Turkey' nin Uluslarast Konumi (Strategic Depth: Turkey's International Position)*. Istanbul: Kure Kayinlari. [in Turkish]
37. Ertugral, Dogan. (2012) "A Test for Turkey' Foreign Policy: The Syria Crisis," *Tesev Foreign Policy Program*, 1-7. Available at: <http://tese.org.tr/en/yayin> (Accessed 26 April 2020).
38. Fuller, Graham E. (2014) *Turkey and the Arab Spring: Leadership in the Middle East*. Lexington: Bozorg Press.

39. Furting, Henner, ed. (2014) "Prospects for New Regional Powers in the Middle East," in Henner Furting, ed. *Regional Powers in the Middle East: New Constellations after the Arab Revolts*. New York: Palgrave Macmillan, 209-220.
40. Gause, Gregory F. (2011) "Saudi Arabia in the New Middle East," *Council on Foreign Relation Special Report* 69. Available at: [https://www.cfr.org/sites/default/files/pdf/2011/12/Saudi\\_Arabia\\_CSR63.pdf](https://www.cfr.org/sites/default/files/pdf/2011/12/Saudi_Arabia_CSR63.pdf) (Accessed 29 May 2020).
41. Grumet, Tali R. (2015) *New Middle East War: Saudi Arabia and Iran's Rivalry*, A PhD Dissertation, Joseph Korbel School, Denver, USA. Available at: <https://digitalcommons.du.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=2027&context=etd>. (Accessed 29 May 2020).
42. Jahner, Arirl. (2012) "Saudi Arabia and Iran: The Struggle for Power and Influence in the Gulf," *International Affairs Review* 20, 3: 37-50. Available at: <https://pssr.org.pk/issues/v4/3/saudi-iranian-rivalry-the-struggle-for-power-and-influence-in-the-middle-east.pdf> (Accessed 26 April 2020).
43. Katari, Ravi S. (2013) "Medical Neutrality and Solidarity in the Syrian Armed Conflict," *Journal of Global Health* 6, 3: 1-14. Available at: <https://journals.library.columbia.edu/index.php/jgh/article/view/4869/3088> (Accessed 26 April 2020).
44. Katz, Mark N. (2013) "Russia and the Conflict in Syria," *Middle East Policy* 20, 2: 38-46, <DOI:10.1111/mepo.12018>.
45. Kardas, Saban. (2010) "Turkey: Redrawing the Middle East Map or Building a Sand Castel," *Middle East Policy* 17, 2: 118-136, <DOI:10.1111/J.1475-4967.2010.00430.X>.
46. Leverett, Flynt; and Hillary Mann Leverett. (2012) "The Balance of Power, Public Goods, and the Lost Art of Grand Strategy: American Policy Toward the Persian Gulf and Rising Asia in the 21st Century," *Journal of Law & International Affairs* 7, 1: 201-240. Available at: <https://elibrary.law.psu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1010&context=jlia> (Accessed 26 April 2020).
47. Mabon, Simon. (2015) *Saudi Arabia and Iran: Power and Rivalry in the Middle East*. London: IB Tauris.
48. Oniş, Ziya. (2012) "Turkey and the Arab Spring: Between Ethics and Self-Interest," *Insight Turkey* 14, 3: 45-63, <DOI:10.2139/ssrn.2017639>.
49. Stuster, Dana J. (2017, May 30) "U.S. and Iran Compete in Eastern Syria, Qatar and Saudi Arabia Renew Old Feud, and More Fighting in Libya after Attacks in Manchester and Minya," *Lawfare Institute Blog*. Available at: <https://www.lawfareblog.com/us-and-iran-compete-eastern-syria-qatar-and-saudi-arabia-renew-old-feud-and-more-fighting-libya> (Accessed 26 April 2020).
50. Schmierer, Richard J. (2017) "The New Arab Wars," *Journal of Middle East Policy* 24, 1: 173-178, <DOI:10.1111/mepo.12260>.
51. Wilmer, Franke. (2002) *The Social Construction of Man, State and War*. London: Routledge.



Research Paper

## **Analyzing Political Evolution of Three Political Attitudes of Islam towards Trends in the Middle East: From Confrontation to Cooperation**

**Hossein Masoudnia<sup>1\*</sup>, Niloufar Shafie Yangabadi <sup>2</sup>**

<sup>1</sup> Associate Professor, Department of Political Science, University of Isfahan, Isfahan, Iran

<sup>2</sup> A Ph.D. Candidate in Political Science, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Received: 19 February 2021, Accepted: 30 January 2023

© University of Tehran

### **Abstract**

The region of West Asia and the Middle East has witnessed scores of unrest and political protests in recent years. These turmoil and conflicts have increased in the second decade of the third millennium with the occurrence of Arab Spring, which denoted the widespread citizen revolts in the Arab World in 2011-2012. These chains of political events were also called the Islamic Awakening. Regarding the lack of meaningful integration in the Middle East, researchers have considered various factors, including regional competition, foreign intervention and the legacy of colonialism. Nevertheless, an examination of recent events reveals a key point—The rivalry between Iran, Saudi Arabia and Turkey which advocate three different views of Islam (i.e., Shiite, Salafi-Takfiri, and the Sunni Islamist Moslem Brotherhood) have led them to vie for power and spiritual influence in the region. We argue that this competition is one of the main factors of crisis escalation in the Middle East. The efforts of the three rivals to increase the size of the advocates of their preferred attitudes towards Islam in order to form a stronger coalition to weaken their opponents have added to the complexity of the problem of seemingly constant turmoil and political crisis in this strategic region.

The three main objectives of the present study are: a) to explain how these three views of Islam were formed; b) to analyze the reasons for the competition between the advocates of these points of view; and c) to describe the consequences of the continued rivalry between Iran, Saudi Arabia and Turkey over this issue from the perspective of regional stability and prosperity. Therefore, the authors try to succinctly answer the following research questions: 1. What factors have led to the political changes in the attitudes of the proponents of these views of Islam towards the Middle East

---

\* Corresponding Author Email: h.masoudnia@ase.ui.ac.ir

developments? 2. To what extent have the formation, growth, and increasing competition of these three views of Islam contributed to the occurrence of conflicts in the Middle East? In the research hypothesis, it is stated that the competition between the proponents of the three different conceptions of political Islam (i.e., Shia Islam, Salafi-Takfiri, and Ikhwani) has increased unrest and violence in the Middle East. Using a qualitative-analytical approach, we collected data on the Arab Spring events and information about the official statements of the political leaders and decision-makers in Iran, Saudi Arabia and Turkey regarding the regional uprising and crises, particularly as related to the Syrian civil war, the rise of ISIS, and the inter-Arab crisis over Qatar. The findings of the research show that the rotational changes in the attitudes of the advocates of different brands of political Islam on a continuum from cooperation to confrontation have had an impact on the crisis escalation and unrest in the region.

The 2011 Arab pro-democracy movements initially encouraged the proponents of the three views of political Islam to come closer to these movements. For example, Saudi Arabia and Turkey as the supporters of Salafi-Takfiri and Akhwani views formed a coalition against the Shiite-backed Iran. Incidentally, Qatar also supported the Brotherhood's viewpoints. The most significant policy of the Salafi-Takfiri camp's coalition against the Shiite camp was to support the Syrian opposition in a bid to overthrow Bashar al-Assad regime. They even provided assistance to those who established and operated ISIS, and created an economic, military, and ideological challenge for the Iraqi Shiite government. However, the cooperation among the members of this coalition did not last long because of disagreement over key issues such as the future of the Egyptian regime after Muslim Brotherhood-backed Morsi came into power, the future of the Assad regime in Syria, and the crisis in Qatar-Saudi relations. The consequence of these developments was that the supporters of the Brotherhood moved away from the Salafi-Takfiri proponents in order to counter the Saudi threats against Qatar. Turkey started moving closer to Iran and Russia to secure its interests in the post-war Syria; and this resulted in a temporary reduction in Saudi influence in the region. But this does not mean the end of competition over political clout and influence in the region by smart coalition-building. Therefore, the most crucial strategy of the IRI should be to strengthen its coalition-building strategy and use the vacuum created in the Salafi-Takfiri and Brotherhood camps, along with continuing cooperation with Qatar, tension-reduction with Ankara as well as expanding economic relations with Turkey for the purpose of intensifying the isolation of the Salafi-Takfiri camp.

**Keywords:** Arab Spring, Brotherhood, Middle East, Political Islam, Salafi-Takfiri, Shiite

#### **Declaration of conflicting interests**

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

### Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

**ORCID iDs:** <https://orcid.org/0000-0003-2928-2251>

### References

- Abolfathi, Mohammad, et al. (2017) "'Motāle'h tatbighi-ye siyāsāt-e khāreji-ye arabestān saodi va ghatar dar ghebāl-e bohrān-e soriyeh (Comparative Study of the Foreign Policy of Saudi Arabia and Qatar regarding the Syrian Crisis; 2011-2017)," *Faslnāmeḥ-ye pajohesh'ha-ye rāhbordī-ye siyāsāt (Strategic Policy Research)* 6, 24: 330-303. Available at: <http://ensani.ir/file/download/article/1551614363-10027-24-11.pdf> (Accessed 15 January 2020). [in Persian]
- Aghaei, Seyed Dawood; and Elham Rasoli. (2008) "Sāze'angāri va siyāsāt-e khāreji-'i jomhorī-'i eslāmī-'i Irān dar ghebāl-e isrāel (Constructivism and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran towards Israel)," *Faslnāmeḥ-ye siyāsāt (Politics Quarterly)* 39, 1: 1-16. Available at: [https://jppq.ut.ac.ir/article\\_20142\\_9c7882c0bdbea09f829b500c440b266d.pdf](https://jppq.ut.ac.ir/article_20142_9c7882c0bdbea09f829b500c440b266d.pdf) (Accessed 31 December 2019). [in Persian]
- Ahmadi, Hamid. (2010) *Saei-r tahavol-e jonbesh'hā-ye eslāmi (The Evolution of Islamic Movements)*. Tehran: Imam Sadegh University. [in Persian]
- Ali-Hosseini, Ali, et al. (2016) "Naghsh-e tahavolāt-e fekri-ye rahbarān-e hezb-e edālat va tose' dar konesh'hā-ye rāhdordi-ye torkieh: tahlil-e sāzeh'engārāneh (The Role of Intellectual Transformations of Leaders of Justice and Development in Turkey's Strategic Actions: A Constructivist Analysis)," *Tahghighat-e siyāsī va bein'ol mellali (Political and International Research)* 9, 31: 31-56. Available at: [http://pir.iaush.ac.ir/article\\_594798\\_855eb788e6a4660e8e20de13e00d23d0.pdf](http://pir.iaush.ac.ir/article_594798_855eb788e6a4660e8e20de13e00d23d0.pdf) (Accessed 3 February 2018). [in Persian]
- Alishahi, Abdol Hossein, et al. (2016) "Baresi-ye ravābet-e arabestān-e soedi; az tabeen tā gosast-e siyāsī: bidāri eslāmi tā bohrān-e ghat'e ravābet-e siyāsī dar joan-e 2017 (Evaluation of Political Relations between Qatar and Saudi Arabia; From the Explanation of Convergence to Political Disintegration: from Islamic Awakening to the Crisis of Cutting off Political Relations in June 2017)," *Faslnāmeḥ-ye motāleāt-e rāhbordī siyāsāt'gozarī-'i omomī (Journal of Strategic Studies of Public Policy)* 7, 24: 50-72. Available at: [http://sspp.iranjournals.ir/article\\_28601\\_c3df0892d5641d2b8c59c3bdfbe9c911.pdf](http://sspp.iranjournals.ir/article_28601_c3df0892d5641d2b8c59c3bdfbe9c911.pdf) (Accessed 3 February 2020). [in Persian]
- Arabian, Hossein. (2016) *Tahlil-e tatbighi-ye forsāt'hā va chālesh'hā-ye siyāsī-amniyāti-ye du olgo-ye om'al-qhorāi-ye Irāni-eslāmi va no'osmāni'garāi (Comparative analysis of political-security opportunities and challenges of two Iranian-Islamic and Neo-Ottoman Umm al-Qara'i Models)*, Master's Thesis, Faculty of Administrative Science and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran. [in Persian]

- Armand, Hossein. (2016) "Tanesh bain-e arabistān va ghatar (Tension between Saudi Arabia and Qatar; The End of the Dream of the Unity of the Arab Countries)," *Mostaghel Newspaper*. Available at: <https://www.mostaghelnewspaper.ir/paper/post/3360> (Accessed 31 December 2019). [in Persian]
- Ataman, Muhittin. (2012) "Turkish– Saudi Arabian Relations during the Arab Uprisings: Towards a Strategic Partnership?" *Insight Turkey* 71, 1: 121-145. Available at: <https://www.insightturkey.com/articles/turkish-saudi-arabian-relations-during-the-arab-uprisings-towards-a-strategic-partnership> (Accessed 27 May 2020).
- Azim Zadeh Ardabili, et al. (2016) "Tahlil-e sāze'engārāneh-ye siyāsāt-e khāreji-ye novin-e turkieh va reghābat bā jomhuri-'i eslāmī-'i Irān (Structural Analysis of Turkey's Modern Foreign Policy and Competition with the Islamic Republic of Iran)," *Fasl'nāmeḥ-ye motālē'āt ravābet-e bein'ol-melal (International Relations Studies Quarterly)* 10, 8: 128-95. Available at: [http://prb.iauctb.ac.ir/article\\_532876\\_d276067f8e89436fa59e4af830821de6.pdf](http://prb.iauctb.ac.ir/article_532876_d276067f8e89436fa59e4af830821de6.pdf) (Accessed 23 January 2020). [in Persian]
- Caravelli, Jack. (2011) *Beyond Sand and Oil, The Nuclear Middle East*. New York: Praeger.
- Checkel, Jeffery T. (1998) "The Constructive Turn in International Relations theory," *World Politics* 50, 2: 324-348, <DOI:10.1017/s0043887100008133>.
- Davutoglu, Ahmet. (2001) *Stratejik Derinlik: Turkey' nin Uluslarast Konumi (Strategic Depth: Turkey's International Position)*. Istanbul: Kure Kayinlari. [in Turkish]
- Doraj, Hamid; and Reza Eltiaminia. (2017) "Tahlil-e diplomāci-ye ghatar dar ghebāl-e bohrān-e sorieh ba takid bar ravābet-e siyāsi-e ghatar va arabestān-e seodi (Analysis of Qatar's Diplomacy towards the Syrian Crisis with an Emphasis on the Qatar-Saudi Arabia Political Relations)," *Fasl'nāmeḥ-ye motālē'āt-e siyāsi jahān-e eslām (Journal of Political Studies of the Islamic World)* 7, 3: 23-54. Available at: [https://psiw.journals.ikiu.ac.ir/article\\_1550\\_de99c0723a4e4e4c477ecf7dc4dbfd.pdf](https://psiw.journals.ikiu.ac.ir/article_1550_de99c0723a4e4e4c477ecf7dc4dbfd.pdf) (Accessed 25 January 2020). [in Persian]
- Ebrahimi, Nabiullah. (2010) "Ekhvān'garāi va siyāsāt-e khāreji-'i ghatar dar ghebāl-e enghelāb'hā-ye arabi-ye 2011 (Brotherhoodism and Qatar's Foreign Policy towards the 2011 Arab Revolutions)," *Fasl'nāmeḥ-ye motālē'āt-e rāhbordi (Journal of Strategic Studies)* 15, 1: 127-148. Available at: <http://ensani.ir/file/download/article/20130318133408-9802-15.pdf> (Accessed 18 January 2020). [in Persian]
- Ertugral, Dogan. (2012) "A Test for Turkey' Foreign Policy: The Syria Crisis," *Tesev Foreign Policy Program*, 1-7. Available at: <http://tesev.org.tr/en/yayin> (Accessed 26 April 2020).
- Feirahi, Dawood. (2013) "Ekhvān hanoz shāns-e pirozi dārad (The Brotherhood Still has a Chance to Win: Interview with Dr. Feirahi)," *Diplomāci-ye Irāni (Iranian Diplomacy)*. Available at: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1918469/> (Accessed 15 January 2020). [in Persian]

- Fuller, Graham E. (2014) *Turkey and the Arab Spring: Leadership in the Middle East*. Lexington: Bozorg Press.
- Furting, Henner, ed. (2014) "Prospects for New Regional Powers in the Middle East," in Henner Furting, ed. *Regional Powers in the Middle East: New Constellations after the Arab Revolts*. New York: Palgrave Macmillan, 209-220.
- Gause, Gregory F. (2011) "Saudi Arabia in the New Middle East," *Council on Foreign Relation Special Report* 69. Available at: [https://www.cfr.org/sites/default/files/pdf/2011/12/Saudi\\_Arabia\\_CSR63.pdf](https://www.cfr.org/sites/default/files/pdf/2011/12/Saudi_Arabia_CSR63.pdf) (Accessed 29 May 2020).
- Ghafari-Hashjin, Zahid; and Silab Qodsi Alizadeh. (2013) "Moa'lefe'hā-ye farhang-e siyāsi-ye jariān-e salafi takfiri, motāle'h-ye moredi-ye daesh (Components of the Political Culture of the Takfiri Salafi Movement, A Case Study of ISIS)," *Faslnāmeḥ-ye motāleāt-e siyāsi-ye jahān-e eslām (Journal of Political Studies of the Islamic World)* 10, 11: 112-89. Available at: [https://psiw.journals.ikiu.ac.ir/article\\_551\\_d4d300b2fd9d62b715d0e942a3628210](https://psiw.journals.ikiu.ac.ir/article_551_d4d300b2fd9d62b715d0e942a3628210) (Accessed 24 January 2020). [in Persian]
- Grumet, Tali R. (2015) *New Middle East War: Saudi Arabia and Iran's Rivalry*, A PhD Dissertation, Joseph Korbel School, Denver, USA. Available at: <https://digitalcommons.du.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=2027&context=etd> (Accessed 29 May 2020).
- Haghighat, Sadegh. (1389) *Mabāni-ye andishe-ye siyāsi dar eslām (Basics of Political Thought in Islam)*. Tehran: SAMT. [in Persian]
- Jahner, Arirl. (2012) "Saudi Arabia and Iran: The Struggle for Power and Influence in the Gulf," *International Affairs Review* 20, 3: 37-50. Available at: <https://pssr.org.pk/issues/v4/3/saudi-iranian-rivalry-the-struggle-for-power-and-influence-in-the-middle-east.pdf> (Accessed 26 April 2020).
- Kardas, Saban. (2010) "Turkey: Redrawing the Middle East Map or Building a Sand Castel," *Middle East Policy* 17, 2: 118-136, <DOI:10.1111/J.1475-4967.2010.00430.X>.
- Katari, Ravi S. (2013) "Medical Neutrality and Solidarity in the Syrian Armed Conflict," *Journal of Global Health* 6, 3: 1-14. Available at: <https://journals.library.columbia.edu/index.php/jgh/article/view/4869/3088> (Accessed 26 April 2020).
- Katz, Mark N. (2013) "Russia and the Conflict in Syria," *Middle East Policy* 20, 2: 38-46, <DOI:10.1111/mepo.12018>.
- Kaviani Rad, Morad, et al. (2012) "Tabein-e jeopolitik-e jahat'giri-ye tahavolāt-e soriyeh (Geopolitical Explanation of the Direction of Syrian Developments)," *The First National Geopolitical Conference of Southwest Asia: Problems of Developments and Prospects*. Taleghan: Payam Noor University, Taleghan Branch. Available at: <https://civilica.com/doc/238772> (Accessed 15 January 2020). [in Persian]
- Kazemi Akhavan, Bahram; and allāh'karam moshtāghi. (2012) "Bedāri-ye eslāmi va ellal-e ān bā takid bar nazarāt-e maghām-e moazam-e rahbari

- (Islamic Awakening and its Causes with an Emphasis on the Opinions of the Supreme Leader)," *Faslnāmeḥ-ye motāleāt-e jahān-e eslām (Islamic World Studies Quarterly)* 1, 10: 60-31. Available at: [http://iws.shahed.ac.ir/article\\_15\\_343c865863effd4396a663aaabb74a9.pdf](http://iws.shahed.ac.ir/article_15_343c865863effd4396a663aaabb74a9.pdf) (Accessed 18 January 2020). [in Persian]
- Kazemi Akhavan, Massoud, et al. (2016) "Tahlili bar ravābet-e rāhbordi-ye arabestān va Israil (An Analysis of Strategic Relations between Saudi Arabia and Israel)," *Faslnāmeḥ-ye motāleāt-e enghelāb-e eslāmī (Journal of Islamic Revolution Studies)* 13, 47: 146-125. Available at: <http://ensani.ir/file/download/article/1560073822-9668-47-7.pdf> (Accessed 15 January 2020). [in Persian]
- Kozehgar, Vali. (2008) *Pirozi-ye mojadad-e eslām'garāyān dar torkieh va āyandeh-ye siyāsāt-e khāreji-ye in keshvar (The Renewed Victory of Islamists in Turkey and the Future of this Country's Foreign Policy)*. Tehran: Strategic Research Center. [in Persian]
- Leverett, Flynt; and Hillary Mann Leverett. (2012) "The Balance of Power, Public Goods, and the Lost Art of Grand Strategy: American Policy Toward the Persian Gulf and Rising Asia in the 21st Century," *Journal of Law & International Affairs* 7, 1: 201-240. Available at: <https://elibrary.law.psu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1010&context=jlia> (Accessed 26 April 2020).
- Mabon, Simon. (2015) *Saudi Arabia and Iran :Power and Rivalry in the Middle East*. London: IB Tauris.
- Mahmoodian, Mohammad. (2017) "Jonbesh-e ekhvān ol-moslemin va āyandeh-ye siyāsāt-e khāreji-ye mesr (Muslim Brotherhood Movement and the Future of Egypt's Foreign Policy)," *Faslnāmeḥ-ye motāleāt-e rāhbordi (Journal of Strategic Studies)* 15, 55: 103-126. Available at: <http://ensani.ir/file/download/article/20130318133408-9802-14.pdf> (Accessed 24 January 2020). [in Persian]
- Massoudnia, Hossein, et al. (2017) "Torkieh va bohrān-e sorieh az miānji'gari tā hemāyat az mokhālefān-e dolat (Turkey and the Syrian Crisis from Mediation to Supporting the Opposition of the Government)," *Faslnāmeḥ-ye motāleāt-e siyāsi jahān-e eslām (Journal of Political Studies of the Islamic World)* 1, 4: 83-110. Available at: [https://psiw.journals.ikiu.ac.ir/article\\_294\\_3d53e480850dbce3c4b0b530d2cb901.pdf](https://psiw.journals.ikiu.ac.ir/article_294_3d53e480850dbce3c4b0b530d2cb901.pdf) (Accessed 16 November 2019). [in Persian]
- Mirzadeh-Kouh-Shahi, Mehdi. (2016) "Pāydāri-ye ghatar va pā'feshāri-ye arabestān; tadāvom-e bohrān dar khalij-e fārs (The Stability of Qatar and the Persistence of Saudi Arabia; the Continuation of the Crisis in the Persian Gulf)," *Faslnāmeḥ-ye didebān-e amniyat-e melli (Journal of National Security Watch)* 7, 64: 45-50. Available at: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1381922> (Accessed 25 November 2019). [in Persian]
- Moshirzadeh, Homeira. (2008) *Tahavol dar nazariyeh'hā-ye ravābet-e bein'ol-melal (Evolution of International Relations Theories)*. Tehran: SAMT. [in Persian]
- Mousavi, Seyed Hafez; et al. (2016) "Tasir-e tahavolāt-e jahān-e arab bar siyāsāt-e mantagheh'ī-ye Irān va torkieh (The Impact of Arab World



- Developments on the Regional Politics of Iran and Turkey)," *Faslnāmeḥ-ye Jeopolitik (Geopolitics Quarterly)* 12, 1: 166-188. Available at: <http://ensani.ir/file/download/article/20160719125603-9617-160.pdf> (Accessed 19 December 2020). [in Persian]
- Nejat, Seyed Ali. (2013) "Roykard-e siyāsāt-e khāreji-ye jomhōrī-'i eslāmī-'i Irān dar ghebāl-e tahavolāt-e novin-e khāvar'miāneh (The Foreign Policy Approach of the Islamic Republic of Iran towards the Recent Developments in the Middle East)," *Faslnāmeḥ-ye siyāsāt (Politics Quarterly)* 1, 4: 61-76. Available at: <http://ensani.ir/file/download/article/20161213114039-10070-13.pdf> (Accessed 31 December 2019). [in Persian]
- Nekoi, Ahmed. (2008) "Tasir-e barjeste'shodan-e naghsh va hoviyat-e shiayān dar jāyegāh-e Irān dar khāvar'miāneh (The Effect of Accentuating the Role and Identity of Shiites in Iran's Position in the Middle East)," *Faslnāmeḥ-ye motāleāt-e mantagheh'ī jahān-e eslām (Journal of Regional Studies of the Islamic World)* 10, 37: 71-47. Available at: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1192102> (Accessed 3 December 2018). [in Persian]
- Niakoi, Seyed Amir. (2012) *Kālbod'shekāfi-ye enghelāb'hā-ye mo'āser dar jahān-e arāb (Autopsy of the Contemporary Revolutions in the Arab World)*. Tehran: Mizan. [in Persian]
- Niakoui, Seyed Amir; and Vida Haji. (2016) "Tasir-e khizesh'hā-ye arabi-ye khāvar'miāneh bar olgo-ye ravābet-e Irān va Torkieh, 2011-2017 (The Impact of Arab Uprisings in the Middle East on the Pattern of Iran-Turkey Relations, 2011-2017)," *Faslnāmeḥ-ye pajohesh'ha-ye ravābet-e bein'ol-melal (Journal of International Relations Research)* 7, 3: 91-120. Available at: <https://elmnet.ir/article/1967266-53847> (Accessed 2 December 2019). [in Persian]
- Nowruzpour, Mohammadreza; and Abolfazl Khodai. (2017, October 21) "Cherā siyāsāt-e Irān dar ghebāl-e ghatar nāgahān taghir kard? (Why did Iran's Policy towards Qatar Suddenly Change?)" *Khabaronline News*. Available at: <http://www.khabaronline.ir/news/718626> (Accessed 10 January 2020). [in Persian]
- Oniş, Ziya. (2012) "Turkey and the Arab Spring: Between Ethics and Self-Interest," *Insight Turkey* 14, 3: 45-63, <DOI:10.2139/ssrn.2017639>.
- Qavam, Abdol Ali. (2004) *Ravābet-e bein'ol-melal: nazariyeh'hā va roykard'hā (International Relations: Theories and Approaches)*. Tehran: SAMT. [in Persian]
- Rostami, Farzad; and Alireza Tara. (2017) "Tahlil-e ravābet-e arabestān-e seodi va isrāil dar sāyeh-ye tavāfogh-e hastei-ye Irān (Analysis of the Relations between Saudi Arabia and Israel in the Shadow of the Nuclear Agreement with Iran)," *Faslnāmeḥ-ye siyāsāt-e jahāni (Journal of World Politics)* 7, 2: 115-142. Available at: [https://interpolitics.guilan.ac.ir/article\\_3089\\_1dec377ea360795061cadf508883a978.pdf](https://interpolitics.guilan.ac.ir/article_3089_1dec377ea360795061cadf508883a978.pdf) (Accessed 26 January 2018). [in Persian]
- Schmierer, Richard J. (2017) "The New Arab Wars," *Journal of Middle East Policy* 24, 1: 173-178, <DOI:10.1111/mepo.12260>.

- Seifi, Abdol Hamid; and Nasser Pourhasan. (2013) "Arabestān va royāroee-ye hegemonic beh bidāri-ye eslāmi dar hozeh-ye khālij-e fārs: mored-e bahraīn (Saudi Arabia and the Hegemonic Confrontation with Islamic Awakening in the Persian Gulf Region: a Case Study of Bahrain)," *Faslnāmeḥ-ye hozeh-ye elmiyeh* 5, 4: 156-133. Available at: <http://ensani.ir/file/download/article/20160220155008-9545-69.pdf> (Accessed 25 January 2020). [in Persian]
- Sotoudeh, Ali Asghar; and Jafar Khozai. (2014) "Asib'shenāsi-ye rosht-e jariyān'hā-ye takfiri dar khāvar'miyāneh (Pathology of the Growth of Takfiri Currents in the Middle East)," *Faslnāmeḥ-ye hob'al-matin (Al-matin Quarterly)* 3, 9: 5-24. Available at: <https://alefbalib.com/index.aspx?pid=256&PdfID=299302> (Accessed 26 January 2020). [in Persian]
- Stuster, Dana J. (2017, May 30) "U.S. and Iran Compete in Eastern Syria, Qatar and Saudi Arabia Renew Old Feud, and More Fighting in Libya after Attacks in Manchester and Minya," *Lawfare Institute Blog*. Available at: <https://www.lawfareblog.com/us-and-iran-compete-eastern-syria-qatar-and-saudi-arabia-renew-old-feud-and-more-fighting-libya> (Accessed 26 April 2020).
- Wilmer, Franke. (2002) *The Social Construction of Man, State and War*. London: Routledge
- Zarei, Mohammadreza. (2017) *Tajziyeh va tahlil-e chālesh'hā va forsāt'hā-ye du olgo-ye fekrī-ye eslām-e shia va salaḥī takfiri: motāle'h moredi-ye jomhorī-i eslāmī-i Irān va arabestān-e seodi (Analysis of the Challenges and Opportunities of the Two Thought Process of Shia Islam and Salafī-Takfiri in the Region: A Case Study of the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia)*, A Master's Thesis, Faculty of Administrative Science and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran. [in Persian]



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.